

فصلنامه علمی - پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهرا (س)
سال دوازدهم، شماره ۴۱، بهار ۱۳۸۱

روش تفسیری صادقین

دکتر محمد باقر حجتی *

علی اکبر غفاری **

لاله افتخاری ***

چکیده

خداوند دین خود را در قالب «وحی قرآنی» و «وحی بیانی» بر بشر عرضه داشت. سهم عظیمی از وحی بیانی به صورت «آموزه‌های خاص دینی» تنها در اختیار وارثان علم پیامبر (ص)؛ یعنی اهل بیت (ع) قرار گرفت که موضوع بخش مهمی از آن، قرآن و تفسیر آن است. از این رو در کنار بهره‌گیری از «ثقل اکبر» نیاز مراجعه به «ثقل اصغر» یعنی ائمه (ع) در مقام حاملان پیام الهی و شارحان کلام وی، امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر می‌نماید.

* استاد راهنما و عضو هیات علمی دانشگاه تهران

** استاد راهنما - استاد دانشگاه امام صادق (ع)

*** دانشجوی دکترای دانشگاه تهران

در این جا به سبب اهمیت دوران صادقین (ع) در تاریخ اسلام و نقش روایات آنان در تدوین مکتوبات حدیثی، شماری از احادیث تفسیری، روش تفسیری آنان و شاخص های آن مورد بررسی قرار گرفته است.

واژه های کلیدی: روایات تفسیری، روش تفسیری، تفسیر قرآن، صادقین (ع).

مدخل

کوتاهی دوران رسالت پیامبر (ص) و همراه بودن آن با جنگ های و فشارهای گوناگون سیاسی اجتماعی و محدودیت نیاز مسلمانان و عوامل دیگری از این دست سبب شد آموزه های اسلام در باب احکام، آداب، اخلاق و تفسیر قرآن به صورت «تعالیم خصوصی» و «تعالیم عمومی» جلوه کند؛ یعنی، بخشی از آموزه های پیامبر (ص) با هدف رفع نیازهای عمومی مردم، در قالب شماری از روایات و در زمینه تفسیر آیات قرآن و ذکر سبب نزول آنها و بیان احکام و آداب اسلامی ظاهر شده است. همین روایت ها که مخاطب آنها عموم افراد جامعه بوده اند، چهارچوب اصلی سنت پیامبر (ص) را تشکیل می دهند. (حکیم، ۲۵۴؛ عسکری، نقش ائمه، ۲۶/۱)

بخش دیگری از تعالیم نبوی با گستره ای افزون تر ظهور می یافت و تفسیر و تأویل تمام آیات قرآن، بیان احکام و آداب اسلامی و حتی دیه خراش را در بر می گرفت و آنگاه در قالب کتاب های جامعه و مصحف امام علی (ع) تدوین یافت و به مثابه میراث امامت بر جای ماند. (غفاری، ۲۲۸)

دسته نخست آموزه های اسلامی که از دامنه ای نسبتاً محدود برخوردار بود نیز مورد بی مهری قرار گرفت و کتابت و نقل آن ممنوعیت یافت. (دارمی، ۱۲۳/۱، صبحی صالح، ۲۰؛ ابوریثه، ۵۳) در چنین وضعیتی نیاز مراجعه به اهل بیت (ع) در مقام حاملان میراث عمومی و خصوصی پیامبر (ص) پابرجا بود. این عالمان راستین خود نیز هیچ گاه از نشر اندیشه و فکر اسلامی دریغ نورزیدند و در هاله ای از دشواری های گوناگون که دشمنان تفکر اسلامی تنیده بودند، این وظیفه را به شیوه های متنوع انجام دادند. این رسالت جنبه های گوناگون داشت و ما در این گفتار به سبب اهمیت دوران صادقین در پی بازشناسی شاخص ها و ویژگی های بارز روایات تفسیری آن دو بزرگوار هستیم.

پس از رحلت پیامبر (ص) علی (ع) از هرگونه تلاش سیاسی برکنار ماند و ناگزیر برای حفظ کیان اسلام، راه شکیبایی در پیش گرفت. (نهج البلاغه، خطبه شقشقیه) با این حال، شماری از صحابه امکان یافتند از محضر آن حضرت (ع) در زمینه فهم کلام الهی بهره ببرند.

در دوران امام حسن و امام حسین (ع) نیز به لحاظ اشتغال آنان به مسائل سیاسی و درگیر شدن در مسائل حاد اجتماعی زمینه استفاده فراوان مردم در عرصه تفسیر قرآن از آن امامان بزرگوار (ع) پدید نیامد.

پس از آنان نیز، امام سجاد (ع) به جهت خفقان سیاسی، ناگزیر بسیاری از تعالیم قرآنی را از رهگذر دعاها و مناجات آموزش داد و به تربیت شاگردانی نظیر ابوحمزه ثمالی، سعید بن جبیر و طاووس بن کیسان همت گمارد.

پس از شهادت امام چهارم (ع) به سبب ضعف حکومت اموی و سرانجام سقوط آن و روی کار آمدن دولت نوپای عباسی، دوران درخشان زندگی صادقین (ع) آغاز گردید. همین دوران به سبب سهولت‌هایی که در امور شیعه پدید آمد توانست نقش مهمی در تاریخ اسلام بازی کند. این دوره ویژگی‌های خاص داشت که از جمله آنها می‌توان از موارد زیر یاد کرد:

۱. انفتاح سیاسی و کاهش فشارهای اجتماعی

سراسر زندگی امام باقر (ع) (۵۷-۱۱۴ هـ) و حدود ۵۰ سال از حیات امام صادق (ع) (۸۰-۱۲۶ هـ) با ادامه فشارهای امویان مصادف بود. (سبحانی، اصول عقاید، ۱۷۳) پس از گذشت چند دهه از آغاز حکومت امویان آشکار شد که در دوران حاکمیت آنان، حکومت به شیوه خلافت، مشورت با مردم، دقت نظر در صرف بیت‌المال، دستیابی بر حکومت از طریق شورا جای خود را به سلطنت، سلب حق هرگونه اظهارنظر از مردم، به کارگیری بیت‌المال برای خوشگذرانی و بنای عمارات و کاخ‌های گوناگون و موروثی شدن حکومت داد و پیدایش چنین وضعی، خواه ناخواه زمینه ساز قیام‌ها و شورش‌های گوناگون شیعی و غیرشیعی علیه امویان گردید. مانند: نهضت عاشورای حسینی، ماجرای حرّه (ابن اثیر ۱۱۱/۴؛ شمس الدین ذهبی، سال‌های ۶۱-۲۳/۸۰؛ سبحانی، زندگانی، ۱۷۴؛ الحاج حسن، ۵۱) قیام توأبیین (ابن اثیر، ۱۷۵/۴) و قیام مختار (ابن جوزی،

۵۵/۶؛ ابن اثیر، ۲۲۸/۴؛ ابن خلدون، تاریخ، ۲۳۰/۳؛ شمس‌الدین ذهبی، همان، ۴۶؛ ابراهیم حسن، ۱/۴۰۳؛ در زمان امام سجاد (ع) و قیام‌هایی نظیر قیام محمد بن عبدالله بن حسن (طبری، تاریخ، ۱۰/۴۲۶۷؛ الکتبی، ۳۵/۲) برادرش ابراهیم (طبری، ۴۷۸۶/۱۱؛ ابن جوزی، ۶۳/۸؛ ابن اثیر، ۵۲۹/۵ و ۵۶۰) در دوران صادقین (ع).

در کنار این قیام‌ها، شورش‌های گوناگون از درون و بیرون خاندان اموی علیه حکومت آنان سر برآورد که همه و همه دست به دست هم داد و به سقوط بنی‌امیه در سال ۱۳۲ هجری و روی کار آمدن عباسیان انجامید. (سبحانی، همان؛ الحاج حسن، ۴۶) در این میان، زمینه برای فعالیت‌های فرهنگی، علمی و مذهبی امام باقر (ع) مساعد شد و هرچه حکومت امویان به زوال خود نزدیک‌تر می‌گشت، شیعیان آزادی بیشتری احساس می‌کردند. (محمد جعفری، ۳۰۴) با سقوط بنی‌امیه، وضعیت آزادی نسبی شیعیان هم‌چنان ادامه یافت. زیرا عباسیان که با شعار «الرضا من آل محمد» روی کار آمده بودند با در نظر گرفتن سهم شیعیان در براندازی حکومت امویان و با توجه به عدم دخالت امام صادق (ع) در امر سیاست، متعرض آنان نمی‌شدند. ولی این وضعیت دیری به طول نینجامید. (جعفریان، حیات، ۲۷۸/۱؛ اسد حیدر، ۴۴/۱)

عباسیان که می‌کوشیدند چنین نشان دهند که حکومت سیاسی و مذهبی را در خود گرد آورده‌اند و هرگونه مخالفتی با آن‌ها حتی از سوی اهل بیت (ع) به مثابهٔ مقابله با حق است اندک اندک بر خفقان حاکم بر جامعه افزودند. لذا امام صادق (ع) می‌کوشید تصویر جامعی از جایگاه امامت به مردم نشان دهد. (محمد جعفری، ۳۲۶)

۲. گسترش فعالیت عقل‌گرایان و اهل قیاس و دعوت صادقین (ع) به سنت منقول‌نبوی.

محدودیت گسترهٔ روایت نزد اهل سنت و عدم مراجعه آنان به اهل بیت (ع) در مقام وارثان علم پیامبر (ص) دانشمندان عامه را بر آن داشت برای رفع مشکلات خود به رأی و قیاس تن دهند. همین امر، خود در نهایت به استوار شدن مشکل پیشین و دوری بیشتر از سنت انجامید. در دوران صادقین (ع) نیز تمسک به رأی و قیاس – که از دیرباز آغاز شده بود – رو به گسترش نهاد و به

در آن زمان، عراق عرصه ظهور مکتب قیاس و ابوحنیفه از سردمداران آن بود. و از آن جا که شمار بسیاری از شیعیان در عراق می‌زیستند باقرین (ع) با تشکیل مناظراتی با سران این مکتب به مقابله با اهل رأی، بیان جایگاه عقل در استنباط احکام (ابن خلکان ۴۷۱/۱؛ جعفریان / حیات / ۱ / ۲۷۳ - ۲۷۰) و ضرورت رجوع به سنت منقول نبوی پرداختند و به شیعه و پیروان دیگر مذاهب یادآور شدند که اگر به شرق و غرب عالم روی آورند در هیچ کجا به دانشی زلال‌تر و گسترده‌تر از آنچه نزد اهل بیت (ع) است دست نخواهند یافت. (مجلسی، ۹۱/۲؛ غفاری، ص. ۲۲۷، به نقل از نجاشی)

۳. حیات مذهبی باقرین (ع)

در زمان حکومت امویان، فرقه‌های گوناگون مذهبی رشد کردند. برخی از این فرق که عبارتند از: معتزله، مرجئه، اهل قیاس و غلات، همراه با خوارج و اهل کتاب، در جامعه به فعالیت و تلاش فکری مشغول بودند و غالباً بر سر راه شیعه و عقاید آنان مشکلاتی پدید می‌آوردند و در اذهان آن‌ها شبهاتی ایجاد می‌کردند. پیدایش بیشتر این گروه‌ها به سال‌ها قبل از دوران باقرین (ع) باز می‌گردد. اما بر اثر ویژگی‌های سیاسی و عقیدتی دوران آن بزرگواران، تلاش آنها بسیار گسترده‌تر و چشمگیر گشته روز به روز، شمار پیروان آنان افزایش می‌یافت.

اینک نگاهی بر مهم‌ترین فرقه‌های مذهبی دوران باقرین (ع) می‌افکنیم که هر یک با هدف و شعاری خاص پدید آمدند و به گونه‌ای بر حیات فرهنگی - سیاسی جامعه تأثیر گذاشتند.

الف. گسترش خوارج^۱

خوارج که در پی تحمل شکست در جنگ نهروان از نظر تلاش سیاسی و شمار پیروان، سخت دچار محدودیت شده بودند در اواخر دوران امویان و اوایل ایام عباسیان به دنبال پیدایش آزادی

۱. خوارج از آن جهت که فاسق و مرتکب گناه کبیره را کافر می‌دانستند (شهرستانی، ۱/۱۲۲؛ مشکور، ۳۸؛ سبحانی، بحوث؛ ۱۱۸)، به کفر علی (ع) که ماجرای حکمت را پذیرفته بود حکم کردند. آن‌ها افرادی خشن و مقدس‌نما بودند و به استقرار توحید انبیا (الامامت) بر وجوب بدون قید و شرط امر به معروف و نهی از منکر، منصوص نبودن امامت و جواز خالی بودن جهان از وجود امام در برهه‌ای از زمان اعتقاد داشتند. (شهرستانی، ۱/۱۱۴؛ قرشی، ۹۲/۱)

نسبی در جامعه رو به گسترش نهادند و می‌کوشیدند آرای خویش را در میان پیروان اهل بیت (ع) رواج دهند. از این رو، مقابله با خوارج که از زمان علی (ع) آغاز شده بود در دوران صادقین (ع) در قالب مناظراتی با سران آنها نظیر مناظره امام باقر (ع) با نافع بن ازرق (قرشی، ۹۴/۱)، محکوم ساختن عقاید انحرافی آنها و معرفی آنان به عنوان متنسکین جاهل و گروهی مقدس‌نما به اوج خود رسید. (صدوق، الفقیه، ۸۳/۱؛ طوسی، التهذیب، ۲۴۱/۱)

ب. معتزله

معتزله که در نتیجه عقاید افراطی خوارج و برخورد تند آنان با دیگر مسلمانان پدیده آمده بودند دامنه تلاش‌های خود را گسترده‌تر ساختند. اندیشه‌های خاص بعضی معتزله نظیر پذیرش امامت مفضول بر فاضل - که پیامد آن مشروعیت بخشیدن بر خلافت امویان و برکنار زدن اهل بیت (ع) از صحنه جامعه بود - سبب تقویت ارکان حکومت اموی می‌گردید. (حسینی، ۴۷۱/۹) همسویی بعضی آرای آنان با مسیحیت (سبحانی، بحوث، ۱۱۹) برای افکار مسلمانان آن دوران خطری به شمار می‌آمد. از این رو صادقین (ع) در رد عقاید معتزله با سردمداران آنها نظیر حسن بصری و عمرو بن عبید معتزلی مناظرات و بحث‌های کلامی باارزشی به انجام رسانید. (قرشی، ۲/۷۲ به نقل از دراسات فی الفرق و العقائد، ۲۰۶)

ج. مرجئه^۱

مرجئه که بنابر نظر بعضی، پیدایش آنان از سوی امویان و با هدف انتشار و اجرای برنامه‌های سیاسی و تحکیم ارکان حکومتی آنها صورت گرفته بود با نشاط بخشیدن به تلاش‌های خویش در دوران صادقین (ع)، برای جامعه اسلامی آن روز و افکار مسلمانان خطری جدی به حساب می‌آمدند. از این رو باقرین به منظور محکوم ساختن ورد اندیشه‌های مرجئه با طرفداران این عقیده نظیر ابوحنیفه و عمرو بن قیس مناظراتی داشتند. (مجلسی، ۱۷۸/۶۹؛ قرشی، ۹۰/۲) و نسبت به

۱. اصول اعتقادی مرجئه بر پایه تن‌آسانی، محافظه‌کاری، القاء شبهه، ریاکاری، آسان شمردن دین و مسالمت با قوای حاکمه بنا شده بود. آنها عقیده داشتند ملاک مسلمانی قلب است نه عمل، لذا هیچ کس حق ندارد به رفتار حاکمان ستمگر اعتراض کند.

(شهرستانی، ۱۳۹/۱؛ غفاری، ۱۴۷؛ مشکور، ۴۲).

اندیشه باطل آن‌ها اعلام برائت می‌کردند و آنان را دشمنان خود در دنیا و آخرت می‌خواندند. (مجلسی، ۲۹۱/۴۶؛ شهرستانی، ۱۷۳/۱)

د. گسترش غلات^۱

در سال‌های پایانی دوران امویان و آغازین عباسیان، به دنبال فروکش کردن فشارهای سیاسی، عقیده به غلو که سال‌ها قبل پدید آمده بود رو به گسترش نهاد و به صورت مسأله‌ای مهم برای جامعه اسلامی و به ویژه شیعه درآمد. (جعفریان، حیات، ۲۲۷) در چنین وضعیتی یکی از مهم‌ترین تلاش‌های صادقین (ع) برای حفظ عقاید شیعه در حد اعتدال، مبارزه و مخالفت آشکار با غلات و مسأله غالی‌گری بود که به سبب اهمیت آن، نسبت به موارد پیشین از دامنه‌ای گسترده‌تر و گونه‌گونی بیش‌تر برخوردار بود که برخی از آن عبارتند از: معرفی سردمداران غالی‌گری با ذکر نام و اوصافشان (طوسی، اختیار / ش ۴۰۰، ۴۰۸، ۵۲۶، ۵۲۷؛ ابن حجر، لسان، ۷۶/۶)، بر حذر داشتن شیعیان (همو، ش ۵۲۵؛ عسکری، القرآن، ۴۵/۳) به ویژه جوانان (مجلسی، ۲۶۵/۲۵) از هم‌نشینی و مبادله فرهنگی با غلات (نوری، ۴۱۳/۳؛ مجلسی، ۲۹۶/۲۵)، تکذیب عقاید و لعن و تکفیر آنان و تبیین افکار شیعه (اسد حیدر، ۱ / ۲۳۵؛ غفاری، ۱۵۵) و ارائه معیارهای بازشناسی حدیث صحیح از ساختگی از طریق ارجاع آن به کتاب و سنت (کلینی، ۱۱۶/۱)، یادآوری و تأکید بر الهی بودن علم اهل بیت (ع) (مجلسی، ۱۷۸/۲) و این مطلب که دانش صحیح و گسترده تنها نزد آنان یافت می‌شود. (کشی، ۲۰۹؛ کلینی، ۳۹۹/۱)

هـ. گسترش تشیع^۲

۱. عقاید غلات، مشتمل بر نظریاتی بود که در مجموع شامل الوهیت ائمه (ع) (معارف، ۲۹۴)، نسبت دادن علم غیب به آنان، پسر خدا خواندن علی (ع)، اعتقاد به نبوت ائمه (ع) (طوسی، اختیار، ۳۰۱)، مهدویت امام باقر (ع) (همان، ۳۰۰)، ایمان را ملاک اسلام فرد دانستن و بی‌اهمیت شمردن عمل، (غفاری، ۱۵۳؛ قرشی، ۱۰۵/۲؛ جعفریان، حیات، ۲۶۱/۱).

۲. مقصود از تشیع در این بخش، آن گروه از پیروان مکتب اهل بیت است که به امامت منصوص امام علی (ع) (شهرستانی، ۱ / ۱۴۶؛ مشکوٰۃ، ۳۹؛ نوبختی، ۱۵) و فرزندان آنها پس از رحلت پیامبر (ص) ایمان دارند. (ابن خلدون، مقدمه، ۱۹۶؛ طباطبایی،

شیعه در طول تاریخ، پیوسته به سبب برخورداری از اندیشه ظلم ستیزی و عدالت‌طلبی، از سوی حکومت‌های ستمگر تحت فشار قرار گرفته است و در بسیاری موارد ناگزیر بنا به توصیه پیشوایان خود، به تقیه روی آورده است. (طوسی، تلخیص، ۵۹/۱؛ مجلسی، ۷۳/۲)

در این دوران، در پی سهولتی که در جامعه پدید آمده بود پیروان مکتب تشیع نیز در کنار گروه‌های گوناگون مذهبی بر تلاش خود افزودند و با مراجعه به صادقین (ع) از تعالیم آن بزرگواران برخوردار گشتند.

۴. گسترانیدن دامنه ارزش‌های نوین دینی و تربیت شاگردان مبرز اسلام‌شناس

دوره ۵۳ ساله امامت باقرین (ع) (حکیم، ۲۹۸، ۹۵، ۱۴۸)، زمان انحراف از اهداف اسلام و گرایش به عادات جاهلی، پیدایش و گسترش مشرب‌های فقهی، اوج‌گیری روایت حدیث، سر برآوردن زهاد و قلندران پیوسته به دستگاه حکومت، مورد تأیید قرار گرفتن برخی از فقهاء و قضات هم‌مذهب با مقامات رسمی هم‌چون ژهری و نخعی، شیوع ترجمه متون فلسفی، علمی و دیگر موارد است. (حکیمی، ۴۳؛ سالم ۲۳) در چنین وضعیتی ضرورت تلاش صادقین (ع) در راستای احیای سنت واقعی پیامبر (ع)، رفع هرگونه شبهه از چهره دین و تربیت شاگردان عالم، مبرز و فقیه بیشتر احساس می‌شد، لذا باقرین (ع) در شهر مدینه، مجتمع فرهنگی، علمی، تربیتی عظیمی تأسیس کردند که در زمینه‌های علوم و معارف، فعالیت داشت، به گونه‌ای که شمار بسیاری از دانشمندان بدون در نظر گرفتن نحله‌ها، مذاهب و فرقه‌هایشان از سراسر ممالک اسلامی برای یافتن پاسخ سؤالات خود بدانجا روی آوردند. (دخیل، ۴۲۰) که ره‌آورد آن، محبوبیت و شهره علمی، عبادی و اخلاقی صادقین (ع) در میان دانشمندان برجسته جهان (ابن خلدون، مقدمه، ۲۳۳؛ ذهبی، سیر، ۴۰۲/۴؛ ابن شهر آشوب، ۲۷/۳؛ ابن حجر، ۴/۲ و ۱۰۳؛ اسد حیدر، ۵۳؛ محمد جعفری ۲۹۷؛ قرشی، ۱۰۳/۱؛ جعفریان، حیات، ۲۰۵/۱؛ دخیل، ۴۲۰) و تربیت ۴۰۰۰ شاگرد بود که میان آنها افرادی فقیه و دانا نظیر زرارة، محمد بن مسلم، ابوبصیر و دیگر بزرگان بودند (ابن شهر آشوب، ۲۱۱/۴؛ طوسی، اختیار / ۱۱۷) که هر یک در رشته‌ای به نبوغ رسیدند و به ایجاد

شعبه‌هایی از این مدارس در دیگر نقاط سرزمین اسلامی، تأسیس علوم گوناگون، کتابت و تدوین حدیث پرداختند. (طبرسی، اعلام الوری ۲۷۷؛ دخیل، ۴۲۳ و ۴۲۷).

۵. تدوین مکتوبات اولیه حدیثی

فروکش کردن تنش‌های سیاسی و یک‌پارچه شدن حاکمیت امویان، به ناچار بسیاری از علماء را از سیاست دور و به حوزه درس و حدیث و فتوای فقهی سوق داد. در چنین وضعیتی حدیث شیعه - که بسیار محدود و در حد مسائل ابتدایی نوشته شده بود و در لابه‌لای کتب، پراکنده بود - می‌رفت تا بر اثر حوادث گوناگون به سوی نابودی کشیده شود. از این‌رو صادقین (ص) به کتابت و جمع و تدوین حدیث فرمان دادند. این مکتوبات حدیثی که بعدها دست‌مایه کار صاحبان کتب اولیه روایی گردید، ۴۰۰ اصل از ۴۰۰ مؤلف است. (همان، صدر، ۲۸۷) که دانشمندان فریقین بیشتر روایات آن‌ها را در کتب خویش آورده‌اند. (شهرستانی، ۱۹۰؛ الحاج حسن، ۲۰) در همین زمان بود که برای نخستین بار عمر بن عبدالعزیز منع نقل و کتابت روایات را از میان برداشت و ابوبکر بن حزم را مأمور تدوین حدیث کرد. (صبحی صالح، ۳۶؛ خضیری، ۳۸/۲؛ فضلی، ۴۲؛ ابوریة، ص ۲۵۸) اما دیری نپایید که با مرگ عمر بن عبدالعزیز تدوین و کتابت حدیث متوقف شد؛ ولی چند سال بعد (۱۰۵ هـ) هشام بن عبدالملک، این شهاب زهری را به این امر فرمان داد، اما به سبب ناخشنودی زهری رواج و گسترش کتابت و تدوین حدیث در دوران‌های بعد تحقق یافت. (ابوریة، ۲۶۰-۲۶۱)

روش تفسیر صادقین (ع)

از آن‌جا که سنت، شارح قرآن است، صدور بخش مهمی از روایات اهل بیت (ع)، مخاطبان کلام الهی (مجلسی، ۲۳۷/۲۴) درباره قرآن و تفسیر و تأویل آن است و طبعاً مفسران به آن‌ها نیاز دارند (همان، ۱۷۸/۲) زیرا بنابر سخن امام باقر (ع) تفسیر قرآن بدون مراجعه به اهل بیت سبب هلاک فرد خواهد شد. (همان، ۲۳۷/۲۴)

این نیاز در دوران باقرین (ع) بیشتر احساس می‌شد. زیرا در یک طرف، خوارج قرار داشتند که می‌کوشیدند عقاید خود را با ظواهر قرآن منطبق سازند، (کمالی، ۴۳۳) و از سوی مرجئه، همچون دیگر امور، در تفسیر قرآن نیز به تساهل می‌پرداختند. اما معتزله سعی داشتند تا حد ممکن از یک آیه وجوه گوناگون استنباط کنند و بدین وسیله حجت خصم خود را — که آن هم از نصوص قرآن بود — تضعیف و مذهب خویش را تأیید کنند. (همان، ۴۴۱) با این حال مسائل و مشکلاتی که غلات بر سر راه اسلام و تفسیر قرآن ایجاد می‌کردند بیش از این‌ها بود. زیرا در بسیاری موارد، تلاش گروه‌های پیشین به منظور پیشبرد تعالیم اسلامی و خدمت به قرآن صورت می‌گرفت؛ هرچند که گاه به استحکام پایه‌های حاکمان زمان نیز کمک می‌کرد ولی غلات با هدف تضعیف و تحریف اسلام و خدشه‌دار ساختن آموزه‌های آن وارد عمل می‌شدند و می‌کوشیدند به هر نحو ممکن از ائمه و اسلام، چهره‌ای نامناسب و خلاف واقع نشان دهند. (جعفریان، حیات، ۲۲۵/۱)

اهل بیت (ع) اما به پیروزی از پیامبر (ع) در تفسیر کلام الهی روش‌های گوناگون تفسیر قرآن به قرآن، بیان عام و خاص، مجمل و مبین، ناسخ و منسوخ، تأویل و تفسیر، شرح لغت، سبب نزول، ذکر مصداق، تبیین احکام موجود در آیه و دیگر شیوه‌ها را به کار گرفته‌اند که ما اکنون پس از نگاهی گذرا به برخی از این روش‌ها، برای هر یک از آن‌ها شواهدی از آن چه در کلام صادقین (ع) آمده را ذکر می‌کنیم.

الف. روش تفسیر قرآن به قرآن

مهم‌ترین منبع تفسیر قرآن، خود قرآن است و شاید بتوان سخن امام علی (ع) که: «القرآن ينطق بعضه ببعض» (نهج البلاغه، خطبه ۱۳۲) را بهترین دلیل بر این مدعا دانست. سبب دیگر آن است که مواعظ، قصص، احکام و حکمت‌های قرآن با توجه به جنبه‌های گوناگون، در سور تکرار می‌گردد. از این رو، جز از راه گردآوری آیات همگون و تفکر و تأمل در آنها، بر تفسیر صحیح آن نمی‌توان دست یافت.

مشابهت آیات، گاه با تکرار لفظ یک موضوع در آیات گوناگون و زمانی با تکرار معنای آن تحقق می‌یابد. تفسیر قرآن به قرآن صورت‌های دیگر، نظیر بیان مجمل و مبین، عام و خاص، ناسخ

و منسوخ، مطلق و مقید و دیگر موارد نیز بروز می‌کند. از این‌رو، این نوع تفسیر، شیوه مورد قبول قرآن و روش ائمه (ع) در تبیین کلام خداوند است (طباطبایی، المیزان، ۱۹/۱) و به تبع مفسر و احاطه وی بر سراسر قرآن نیاز دارد. (ذهبی، محمد حسین، ۴۱/۱) و در روایات تفسیری اهل‌بیت (ع) بسیار مشاهده می‌گردد. برای مثال امام صادق (ع) درباره آیه «عینا یشرب بها المقربون» (مطففین / ۲۸) می‌فرماید: «مقربان ما آل محمدیم؛ یعنی، پیامبر (ص) و خدیجه و علی (ع) و ذریه آنها که به آنان ملحق می‌شوند و گواه آن آیه «والحقنا بهم ذریتهم» (طور / ۲۱) است. (قمی، ۲ / ۴۱۱)

در جای دیگر، فردی پس از ذکر دیدگاه‌های گوناگون مفسران درباره آیه «و شاهد و مشهود» (بروج / ۳) نظر امام باقر (ع) را جویا شد. حضرت در پاسخ او پس از رد نظریات دیگران با استشهاد به آیه «ذلک یوم مجموع له الناس و ذلک یوم مشهود» (هود / ۱۰۳) مقصود از «شاهد» را روز عرفه و «مشهود» را روز قیامت می‌داند. (صدوق، معانی الاخبار، ۲۹۹؛ بحرانی، ۴/۴۴۶؛ حویزی، ۵/۵۴۲؛ کاشانی، ۸/۸۰۳)

ب. تفسیر قرآن به سنت^۱

در تفسیر کلام خداوند، پس از قرآن، سنت منزلت و جایگاه ویژه‌ای دارد. زیرا خداوند تبیین آیات را از طریق «وحی بیانی» بر پیامبر (ص) فرو فرستاده است. از این رو آن حضرت بیش از هر فرد دیگر به تفصیل مجمل و بیان مشکل کتاب خداوند آگاه است. (شاطبی، ۴/۴)

از دیدگاه شیعه، کلام معصوم (ع) در مقام «نقل اصغر» همسنگ قرآن و شارح آن است. از این‌رو شماری از دانشمندان، تفسیر قرآن را با جز حدیث صحیح پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) روا نمی‌دانند. (طوسی، التیان، ۱ / ۴) و معصومین به ویژه صادقین (ع) در موارد بسیار برای تبیین آیات قرآن از روایات نبوی و علوی بهره برده، در این مورد به دو شیوه عمل کرده‌اند: گاه روایاتی را بدون ذکر سند از پیامبر (ص)، علی (ع) و یا دیگر معصومین نقل می‌کنند و زمانی آن را همراه با سلسله سند آن یعنی ائمه پیشین می‌آورند. به هر حال ذکر یا حذف سند بر اعتبار کلام اهل بیت

۱. از دیدگاه شیعه امامیه، سنت به قول، فعل و تقریر معصوم (ع) و از دیدگاه اهل تسنن سنت به روایات نبوی و آراء صحابه و

نمی‌افزاید؛ زیرا بنا بر فرموده آن‌ها، حدیث آن بزرگواران، حدیث پدرانشان و همان کلام خداوند است که توسط جبرئیل بر پیامبر (ص) نازل شده است. (کلینی، ۵/۱؛ مجلسی، ۱۷۸/۲؛ اربلی، ۱۷۰/۲)

نمونه‌ای از تفسیر قرآن به سنت، روایتی از امام صادق (ع) در تفسیر «فاذا فرغت فانصب و الی ربک فارغب» (انشراح / ۷ و ۸) است که می‌فرماید: چون فراغت یافتی رایت خود برافراز و وصی و جانشینت را به همگان معرفی کن و آنان را از فضیلت وی با خبر ساز، پس [پیامبر (ص)] فرمود: «من کنت مولاة فعلی مولاة». (کلینی، ۲۹۳/۱؛ کاشانی، ۸۳۰/۸)

در روایت دیگر امام باقر (ع) مقصود از «نبا عظیم» (نبا / ۲) را علی (ع) می‌داند و در تأیید کلام خویش به سخن امیرالمؤمنین (ع) استناد می‌کند که می‌فرماید: «الله عز و جل آیه هی اکبر منی و لالله نبا اعظم منی». (کلینی، ۲۰۷/۳؛ بحرانی، ۵۶۵/۵؛ حویزی، ۴۹۱/۵؛ کاشانی، ۷۷۹/۷؛ مجلسی، ۲/۳۶)

ج. تفسیر و تبیین واژه‌های قرآنی

آشنایی با لغات قرآن از چنان اهمیتی برخوردار است که بعضی بزرگان، مفسر ناآگاه از علم لغت را شایسته تنبیه دانسته‌اند. (سیوطی، الاتقان، ۴۴۴/۲ به نقل از مالک بن انس) و از آن جهت که قرآن بر اسلوب متداول عرب نازل گشته است، در بسیاری موارد پیام کلی آیات آن غامض و پیچیده نیست؛ ولی وجود برخی واژگان، سؤالاتی در ذهن خواننده پدید می‌آورد. (عک، ۱۳۸) از این رو بخشی از کلام باقرین (ع) به تبیین لغات قرآن اختصاص دارد و از صورت‌های گوناگون ذکر مترادف، مترادف همراه با توضیح و آوردن آیه‌ای که لغت هم معنا یا هم ریشه با واژه مورد نظر دارد، برخوردار است. برای مثال امام باقر (ع) کلمه «حجر» در آیه «هل فی ذلک قسم لذی حجر» (فجر / ۵) را به عقل معنا می‌کند. (قمی، ۴۲۲/۲؛ کاشانی، ۸۱۵/۸)

در جای دیگر امام صادق (ع) کلمه «تسنیم» در آیه «و مزاجه من تسنیم» (مطففین / ۲۳) را از ریشه «سنم» به معنای «رفع» می‌داند و چرایی نام‌گذاری چشمه بهشتی به آن را رفعت و والایی شراب اهل بهشت و یا فرو ریختن آن چشمه از مکانی بلند بر منازل بهشتیان می‌خواند. (قمی، ۲/۴۱۱؛ بحرانی، ۴۴۰/۴؛ فرات، ۵۴۳/۱؛ حویزی، ۵۳۳/۵؛ مجلسی، ۸/۲۴)

د. تبیین آیات از راه بیان مصداق

بیان مصداق یک آیه، به معنای تطبیق آن بر وقایع و وجودهای عینی و خارجی است و اشاره به یک یا چند مصداق، مفهوم آن را کاربردی ساخته در فهم و به کارگیری آن تأثیر بسیار دارد. آنچه در بیان مصداق که گاه عنوان «جری» را به خود اختصاص می‌دهد باید لحاظ شود، مناسبت میان موضوع با مصادیق آن است زیرا در غیر این صورت بر روی فتنه انگیزان، باب سوء استفاده و بر ناآگاهان، در انحراف گشوده می‌شود.

از این رو در روایات اهل بیت (ع) ذکر مصداق از جایگاه خاصی برخوردار است. به ویژه در زمان امام باقر و امام صادق (ع) که بعضاً افرادی ساده لوح و قشری چون خوارج و یا سودجو و مغرض نظیر غلات می‌کوشیدند آیات را به گونه‌ای به نفع خود و علیه دشمنان‌شان تفسیر کنند و با تأویلات ناروای خویش، خود و همفکرانشان را از جمله مصادیق متقین، مؤمنین و فائزین و شیعیان خالص و پاک را مصداق منافقین، فاسقین و کافرین معرفی نمایند. در چنین وضعیتی، تطبیق صحیح آیه بر افراد و وقایع عینی، راه‌گشای شیعیان بود و ایشان را از انحراف از راه راست و ابتلاء به شبهات می‌رهانید و از سویی نقشه شوم دشمنان را نقش بر آب می‌ساخت.

آنچه اینک باید متذکر شویم آن است که مصادیق آیات، اقسام و مراتب گوناگون دارد که عبارتند از: مصداق خاص، مصداق اتم، مصداق عام و مصداق باطن آیه.

د.۱/ مصداق خاص آیه

در بعضی موارد علی‌رغم آن که لفظ آیه‌ای عام است و می‌تواند پذیرای مصادیق متعدد باشد، شواهد و قرائتی یافت می‌شود که آیه را در یک یا چند مصداق، منحصر و محدود می‌گرداند و افراد دیگر را از دایره شمول آن خارج می‌سازد. نمونه‌ای از این، آیه ولایت «انما ولیکم الله ورسوله و الذین امنوا الذین یقیمون الصلوة و یؤتون الزکوة و هم راکعون» (مائده / ۵۵) است که هر چند لفظ الذین دلالت بر عموم دارد ولی مقصود از آن علی (ع) است.

۲/د. مصداق اتم

این نوع مصداق که بدان «اکمل» و «اعلی» نیز گویند؛ یعنی، لفظ و معنای آیه پذیرای مصادیق متعدد با درجات متفاوت باشد؛ ولی یک یا چند فرد - که در مرتبه‌ای بالاتر از دیگران قرار دارند - به عنوان مصداق اتم آیه معرفی می‌شوند. از جمله شواهد این نوع مصداق، روایت امام باقر (ع) در تفسیر آیه «الا الذین امنوا و عملوا الصالحات فلهم اجر غیر ممنون» (تین / ۶) است که مصداق اتم آن را علی (ع) می‌داند. (مجلسی، ۶۰۷/۳۵)

نمونه دیگر کلام آن حضرت در تفسیر «ان الابرار لفی نعیم و ان الفجار لفی جحیم» (انفطار / ۱۳ و ۱۴) است که می‌فرماید: «الابرار نحن و الفجار هم عدونا». (حسینی، ۷۷۱/۲؛ بحرانی، ۴/۴۳۶)

۳/د. مصداق عام

مصداق عام نوعی مصداق است که از قبیل مصداق‌های انحصاری و اتم نیست بلکه هرگاه لفظ آیه صلاحیت پذیرش مصادیق گوناگون داشته باشد و یکی از مصداق‌های عادی ذکر شود آن را مصداق عام خوانند. نمونه‌ای از این نوع، روایتی از امام باقر (ع) در تفسیر (فاما من اوتی کتابه وراء ظهره فسوف یدعوا ثبورا) (انشقاق / ۱۰ و ۱۱) است که مصداق آن را فرد مشرک می‌داند. (کلینی، ۳۰۱/۲؛ حویزی، ۵۳۸/۵).

در روایتی دیگر آن حضرت، مصداق آیه یاد شده را اسود بن عبدالاسود مخزومی می‌خواند که حمزه (ع) در جنگ بدر او را به قتل رسانید. (قمی، ۴۱۲/۲؛ بحرانی، ۴۴۳/۴؛ مجلسی، ۴۷۶/۱۹).

۴/د. مصداق باطن یا تأویل آیه

دانشمندان علوم اسلامی در تعریف تأویل و بیان ویژگی‌های آن دیدگاه‌های گوناگون دارند. برخی تأویل را مرادف تفسیر (طبری، جامع البیان، ۶۳/۱؛ طبرسی، ۸۰/۱ به نقل از مبرد) و بعضی آن را حقیقتی می‌نامند که امور از آن سرچشمه می‌گیرد. (طباطبایی، قرآن، ۳۸) و گروهی آن را منشأ، سرانجام و عاقبت امر می‌دانند. (معرفت، ۲۰/۱) در کنار ایشان برخی برآنند که علاوه بر مصداق‌های عام، اکمل و خاص، هر آیه دارای مفهومی عام است که «مفهوم انتزاعی» نام دارد؛

یعنی، مفهومی که می‌تواند برشماری از مصادیق که هر چند مدلول لفظ نیستند، ولی به گونه‌ای توان حکایت از آن را دارند منطبق گردد. آنان چنین مصداقی را «تأویل» و یا «مصداق باطن» می‌نامند. (معرفت، ۲۱/۱)

نمونه‌ای روشن از مصداق باطن، روایتی است که در آن، امام پنجم (ع) گوید: مقصود از «طعام» در آیه «فینظر الانسان الى طعامه» (عبس / ۲۴) دانش فرد است که باید نیک بنگرد آن را از چه کسی فرا گرفته است. (مفید، ۴؛ بحرانی، ۴۲۹/۴؛ کاشانی، ۲۷۸/۸)

تعبیر آیه یاد شده از انسان می‌خواهد به غذای خود بنگرد چگونه و از کجا به دست آمده است. مفهوم انتزاعی آیه، از او می‌خواهد به هنگام برآوردن نیاز خود دقت نظر داشته باشد و تمام جوانب را مورد بررسی قرار دهد. از آن جا که وجود انسان دارای دو جنبه مادی و معنوی است با توجه به مفهوم منتزع از آیه و نظر به جنبه معنوی وجود انسان، امام باقر (ع)، طعام را به علم تأویل کرده است.

نمونه دیگر روایتی از امام صادق (ع) است که مقصود از کلمه «الغاشیة» در آیه «هل اتیک حدیث الغاشیة» (غاشیة / ۱) را افرادی می‌داند که بر حق امام خود سرپوش نهادند و آن را نادیده گرفتند. (کلینی، ۱۷۸/۸) کلمه غاشیة در آیه یاد شده به یکی از نام‌های قیامت اشاره دارد ولی از آنجا که لفظ آن به معنای پوشاننده است لذا بر آن که حق امام و مقام او را نادیده بگیرد و بر آن پوشش نهد تأویل شده است.

هـ استفاده از تمثیل

یکی از راه‌های القاء کلام بر مخاطب، به کار گرفتن تمثیل و تشبیه است. این شیوه‌ای است که راه رسیدن به مقصود و درک آن را بسیار کوتاه می‌سازد. قرآن نیز در بسیاری موارد به منظور عینیت بخشیدن آموزه‌های خود، از این ابزار استفاده کرده است. در کلام ائمه (ع) نیز نمونه‌هایی شیوا از تمثیل مشاهده می‌گردد. یکی از این موارد به مفهوم صحیح کلمه «نعیم» در آیه «ثم لتسألن یومئذ عن النعیم» (تکواثر / ۸) اشاره دارد که ابوحنیفه و دیگر افراد آن را مواهب مادی می‌دانند. لذا امام باقر (ع) به کمک تمثیل این پندار را مردود می‌شمارد و خطاب به ابوحنیفه می‌فرماید: همان گونه که اگر برای تو مهمانی رسد که تو او را در سایه بنشانی و با آب خنک از او پذیرایی

کنی هرگز بر وی منت نخواهی گذارد، خداوند نیز کریم‌تر از آن است که به بنده‌اش غذا و نوشیدنی دهد و درباره آن از او سؤال کند. پس مقصود از «نعیم»، نعمت وجود پیامبر (ع) است که خداوند بر عالم ارزانی داشته است تا بدین وسیله مردم را از گمراهی برهاند. (بحرانی، ۵۰۲/۴؛ حویزی، ۶۶۳/۵؛ کاشانی، ۸۴۹/۸)

و. تبیین آیات به کمک برهان عقلی

ساختار و مفهوم برخی آیات که غالباً به اصول اعتقادی و آرای کلامی ارتباط دارد به گونه‌ای است که ما را به استفاده از استدلال و برهان نیازمند می‌سازد، زیرا از این راه به راحتی می‌توان شبهات را از خاطر افراد زدود و اعتقاداتشان را محکم گردانید. به کارگیری براهین عقلی نه تنها در کلام خداوند بلکه در شمار بسیاری از روایات اهل بیت (ع) به چشم می‌خورد. این امر در اقوال صادقین (ع) از فراوانی چشمگیری برخوردار است. زیرا جامعه آن روز به دلیل وجود نحلّه‌ها، مکاتب و فرق گوناگون مذهبی، بیش از هر چیز به براهین مستحکم و قاطع نیاز داشت تا شبهاتی را که از سوی مخالفان القاء می‌شد، از خاطر مسلمین بزدايد و از چهره حقیقی اسلام پرده بردارد. علاوه بر آن مراجعه به این روایات، راه زدودن ابهام و شکوک، شیوه صحیح استدلال و پرهیز از افراط و تفریط در احتجاج را به افراد می‌آموزد.

زیباترین نمونه‌های استدلال‌ات اهل بیت (ع) در تفسیر سوره «توحید» آمده است که گنجینه‌ای از دروس خداشناسی به شمار می‌آید.

نمونه‌ای از آن چنین است: امام صادق (ع) در روایتی با استدلالی کوتاه ولی عمیق فزای از سوره «توحید» را تفسیر می‌کند و چرایی نزادن و زاده‌نشدن خداوند را در آن می‌داند که صفت زادن از ذات خداوند بدور است زیرا در این صورت باید خود نیز زاده دیگری باشد و زاده نشده است که کسی با او شریک باشد. (حویزی، ۷۱۴/۵)

شرح سخن امام بدین صورت است که اگر خداوند فرزند داشته باشد باید مرکب از اجزاء باشد که جزئی از وی جدا شود، بنابراین به جزء خود نیازمند است و ذات اقدس الهی از نیاز بدور است و اگر مولود کسی باشد باید زمانی جزئی از وجود وی بوده و از نظر صفات با او شبیه و شریک باشد حال آن که خداوند وجودی ازلی دارد و جز او همه حادث‌اند.

ز: تفسیر آیات از راه شرح جریان تاریخی آن

یکی از راه‌هایی که قرآن برای هدایت بشر بکار گرفت بیان جریان‌ات تاریخی و سرگذشت ملل پیشین است. خداوند، ره‌آورد استفاده از این شیوه را، آشنایی مردم با سرنوشت گذشتگان و پند گرفتن از آن می‌داند آنجا که می‌فرماید: «لقد كان في قصصهم عبرة لاولي الالباب» (یوسف / ۱۱۱) زیرا آگاهی از احوال آنان، به انسان می‌آموزد چگونه زندگی کند؛ چگونه حق را بپذیرد و با باطل بستیزد و چطور برای خود سرانجامی نیکو رقم زند.

شماری از روایات اهل بیت (ع) به توضیح و شرح جریان‌ات تاریخی اختصاص یافته است. نمونه‌ای از آنها داستان اصحاب اخدود است که به افراد با ایمان درس استقامت و پایداری می‌آموزد و امام باقر (ع) آن را مفصلاً بیان می‌کند. (بحرانی، ۴/۴۴۷؛ حویزی، ۵/۵۴۴؛ کاشانی، ۸/۸۰۴؛ مجلسی، ۱/۸۲۳)

نمونه دیگر روایتی است که ضمن آن امام ششم (ع) جریان اصحاب فیل را به تفصیل بیان می‌کند. (کلینی، ۴/۲۱۶؛ بحرانی، ۴/۵۰۷)

ح: جایگاه اسباب نزول در تفسیر صادقین

علم به اسباب نزول - که جز از راه روایت و سماع به دست نمی‌آید از اساسی‌ترین ابزارهای فهم و درک معانی آیات و برطرف کننده مشکلات فراوان در زمینه تفسیر و تبیین مفاهیم قرآن است. (بلاشر، ۲۶۸ به نقل از واحدی / ۳) عدم آگاهی از اسباب نزول، در بسیاری موارد، آدمی را در فهم احکام دینی و مسائل اعتقادی و اسرار کلام الهی به حیرت می‌اندازد؛ در مقابل، آشنایی با سبب نزول می‌تواند به پژوهشگر کمک کند تا آن حکمت را که بیانگر راز تشریح و وضع احکام و قوانین الهی است باز یابد. عدم آگاهی از سبب نزول حتی گاه صحابه پیامبر (ع) نیز دچار اشتباه می‌ساخت و از این رو در بسیاری موارد با بیان سبب نزول، آنان را از سرگردانی و پیمودن راه خط، رهایی بخشید. (حجتی، ۸۲)

با توجه به اهمیت این مطلب بخشی از احادیث صادقین (ع) نیز به این موضوع اختصاص یافته است که نمونه‌ای از آن، روایت امام صادق (ع) است که گویای این مطلب می‌باشد که یهود از

پیامبر (ص) درخواست کردند پروردگارش را برای آنان توصیف کند که در پاسخ آنان سوره «توحید» نازل شد. (کلینی، ار ۷۱؛ بحرانی، ۵۲۳/۴)

در روایات تفسیری امام پنجم و امام ششم، موضوعات دیگری غیر آنچه گفته شد مشاهده می‌گردد؛ یعنی، گاه روایات نشانگر احکام تلاوت یک سوره در نماز، شمار آیات یا ترتیب نزول آن، ثواب و فضیلت قرائت یک سوره یا آیه و خواص آن و دیگر موارد است. برای نمونه امام صادق (ع) در جایی اولین و آخرین سوره‌های نازل شده را به ترتیب «علق» و «نصر» می‌داند. (کلینی، ۶۲۸/۵)

مثال دیگر روایتی است که در آن امام باقر (ع) بر فضیلت توصیه می‌کند پس از قرائت سوره «توحید» سه بار «کذلک الله ربی» گوید. (طبرسی، مجمع البیان، ۸۶۳/۱۰؛ بحرانی، ۵۲۰/۴)

نتیجه‌گیری

بر طبق آنچه یاد شد چنین می‌توان دریافت که شاخص‌های اصلی روش تفسیر باقرین (ع) تفسیر قرآن به قرآن و روایت، براهین عقلی، تأویل، ذکر مصداق و اسباب نزول، شرح لغات، بیان حکم تلاوت سور و آیات و شرح جریانات تاریخی است. برآیند بررسی روایات تفسیری اهل بیت بویژه صادقین (ع) آن است که بخش بزرگی از کلام آنان در باب تأویل و بیان مصداق باطن آیات است که فهم آن به راسخان در علم اختصاص دارد و این خود ضرورت مراجعه به اهل بیت (ع) را آشکارتر می‌سازد.

منابع

- قرآن کریم، با ترجمه فولادوند، محمد مهدی، دارالقرآن الکریم، ۱۳۷۹ هـ.ش.
ابن اثیر، علی بن اکرم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دار صادر.
ابن تیمیه، تقی‌الدین احمد، مقدمة فی اصول التفسیر، مؤسسة الرسالة، ۱۳۹۲ هـ.ق، ۱۹۷۲ م.
ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن بن علی، المنتظم فی تاریخ الامم و الملوک، دارالکتب العلمیة.

ابن حجر عسقلانی، شهاب‌الدین ابوالفضل احمد بن علی، لسان المیزان، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۶ هـ.

ابن خلدون، عبدالرحمن، تاریخ، دار احیاء التراث العربی. همو، مقدمه، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات.

ابن خلکان، شمس‌الدین، وفيات الاعیان و انباء ابناء الزمان، لبنان، دار احیاء التراث العربی. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، قم، چاپخانه العلمیة.

ابوری، محمود، اضواء علی السنة المحمدیة اودفاع عن الحدیث، دارالکتب الاسلامیة. ابوزهره، محمد، الامام الصادق، حیاته و عصره، آراؤه و فقهه، مصر، دارالفکر العربی.

اربلی، ابوالحسن علی بن عیسی، کشف الغمة الاثمة، نشر ادب الحوزة. حیدر، اسد، الامام الصادق و المذاهب الاربعة، بیروت، دارالکتب العربی.

بحرانی، هاشم بن سلیمان، البرهان فی تفسیر القرآن، موسسة الوفاء، ۱۴۰۳ هـ بلاشر، رژی، در آستانه قرآن، ترجمه محمود رامیار، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

همو، تاریخ ایران اسلامی، از پیدایش اسلام تا ایران اسلامی (دفتر اول)، اندیشه معاصر، ۷۷. جعفریان، رسول، حیات فکری و سیاسی امامان شیعه، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۲.

حاجی حسن، حسن ابراهیم، معامله مشعنه، من حیاة الامام الباقر (ع) بیروت، داررسول الاکرم، ۱۹۹۶ م.

حجتی، محمد باقر، اسباب النور، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، قم، اهل بیت، ۱۳۶۹.

حسن، حسن ابراهیم، تاریخ الاسلام سیاسی و الدینی و الثقافی و الاجتماعی، دار احیاء التراث العربی.

حسینی، شرف‌الدین، تأویل الآیات الطاهرة فی فضائل العتره، قم، النشر الاسلامی. حسینی دشتی، سید مصطفی، معارف و معاریف.

حکیم، محمد باقر، علو القرآن، مجمع الفکر الاسلامی.

حکیمی، محمد رضا، امام در عینیت جامعه، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

حویزی، عبد علی بن الجمعة العروشی نورالثقلین، قم، مطبوعاتی اسماعیلیان، ۱۳۷۳.

- خضیری، محمد بن عبدالله، تفسیر التابعین، دارالوطن للنشر، ۱۳۶۶.
- دارمی، سنن، نشر استانبول، ۱۴۰۱ هـ.ق.
- دخیل، علی محمد علی، ائمتنا، لبنان، دارالمرتضی، ۱۴۰۲.
- ذهبی، محمد بن احمد، تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الاعلام، تحقیق تدمری، دارالکتاب العربی، ۱۴۱۱ هـ - ۱۹۹۱ م.
- همو، سیر اعلام النبلاء، مؤسسة الرسالة، ۱۴۱۰ هـ.ق.
- ذهبی، محمد حسین، التفسیر و المفسرون، دارالکتب الحدیث.
- سالم مکرم، عبدالعال، اللغة العربیة فی حاب القرآن الکریم، عالم الکتب، ۱۴۱۵.
- سبحانی، جعفر، اصول عقاید اسلامی و نگاهمی به زندگانی پیشوایان معصوم (ع)، بنیاد فرهنگی امام مهدی (ع)، ۱۳۷۶.
- همو، بحوث فی الملل و النحل، النشر الاسلامی، ۱۴۱۶.
- شیرازی، سید علی خان، الدرجات الرفیعة فی طبقات الشیعة، بیروت، الوفاء.
- سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن، الاتقان، فی علوم القرآن دارالکتاب العربی، ۱۴۲۱.
- همو، الدر المنثور فی التفسیر المأثور، دارالفکر.
- شاطبی، ابراهیم بن موسی، الموافقات فی اصول الشریعة، لبنان، دارالمعرفة، ۱۳۹۵.
- شهرستانی، محمد بن عبدالکریم، الملل و النحل، دار صعب، ۱۴۰۶-۱۹۸۶.
- صالح، صبحی، علوم الحدیث و مصطلحه، مکتبة الحیدریة.
- صدر، محمد باقر، تشیع مولود طبعی اسلام، ترجمه علی حجتی کرمانی، ۱۳۶۹.
- صدر، سید حسن. تاسیس الشیعة لعلوم الاسلام. مؤسسة النعمان.
- صدوق، محمد بن علی، معانی الاخبار، تصحیح علی اکبر غفاری، دار المعرفة للطباعة و النشر.
- همو، من لایحضره الفقیه، دارالاضواء، ۱۴۱۳ هـ - ۱۹۹۲ م.
- طباطبایی، محمد حسین، ظهور شیعه، دفتر نشر فقیه.
- همو، قرآن در اسلام، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۳.
- همو، المیزان فی تفسیر القرآن، لبنان، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۴.

- طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن، اعلام الوری با اعلام الهدی، تصحیح علی اکبر غفاری، مکتبه العلمیه الاسلامیه.
- طبری، محمد بن جریر، تاریخ الرسل و الملوک، ترجمه ابوالقاسم پاینده، انتشارات اساطیر. همو، جامع البیان عن تأویل وجوه آی القرآن، دارالفکر، ۱۴۰۸.
- طوسی، محمد بن حسن، اختیار معرفة الرجال معروف به رجال کشی. همو، التبیان فی تفسیر القرآن، مطبعة الاسلامیه، ۱۳۶۵.
- همو، تلخیص الشافی، نجف، مطبعة الاداب، ۱۳۸۳ هـ.
- همو، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعة، دارالتعارف.
- همو، رجال، تحقیق جواد قیومی، قم، النشر الاسلامی، جامعه مدرسین.
- عسکری، مرتضی، القرآن الکریم و روایات المدرستین، التوحید للنشر. همو، نقش ائمه در احیاء دین، مجمع علمی اسلامی، چاپ سوم.
- عک، خالد عبدالرحمن. اصول التفسیر و قواعد، دار النفاثس، ۱۴۰۴.
- غفاری، علی اکبر، تلخیص مقباس الهدایة، نشر صدوق، ۱۳۶۹.
- فرات کوفی، فرات بن ابراهیم، تفسیر فرات، وزارت ارشاد اسلامی، ۱۴۱۰.
- فضلی، عبدالهادی، اصول الحدیث، دارالمؤرخ العربی.
- قرشی، باقر شریف، حیاة الامام محمد الباقر (ع)، دار البلاغة، ۱۴۱۳.
- قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر، دو جلدی، دارالکتاب للطباعة و النشر.
- کاشانی، ملا محسن فیض، الصافی، فی تفسیر القرآن، تصحیح میرزا حسن حسینی، کتابفروشی اسلامیة.
- کتبی، محمدبن شاکر، فوات الوفيات و الذیل علیها، دار صادر.
- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، دارالتعارف للمطبوعات.
- کمالی دزفولی، علی، شناخت قرآن، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۹.
- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الانمة الاطهار، لبنان، دار احیاء التراث العربی.

محمد جعفری، سید حسین، تشیع در مسیر تاریخ، ترجمه محمد تقی آیت اللهی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

مشکور، محمد جواد، تاریخ شیعه و فرقه‌های اسلام، انتشارات شرقی، ۱۳۶۲.

معارف، مجید، تاریخ عمومی حدیث، انتشارات کویر، ۱۳۷۷.

معرفت، محمد هادی، التفسیر و المفسرون، دانشگاه علوم اسلامی رضوی.

مفید، عبدالله بن محمد بن نعمان، الاختصاص، بیروت، الاعلمی للمطبوعات.

نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعة، ترجمه محمد جواد مشکور، بنیاد فرهنگ ایران.

نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، موسسه آل البيت (ع)، ۱۴۱۱ هـ.